

شاه‌کلید اقتصاد مقاومتی چیست؟

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که در آخرین روز بهمن ماه سال جاری از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ شد(1)، در حقیقت یک دکترین اقتصاد سیاسی و یک گفتمان است...



سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که در آخرین روز بهمن ماه سال جاری از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ شد(1)، در حقیقت یک دکترین اقتصاد سیاسی و یک گفتمان است که می توان تمامی نشانه ها و اجزاء یک گفتمان جامع را در آن مشاهده کرد. تبیین ویژگی های گفتمانی این سیاست های کلی، هدف یادداشت حاضر نیست -هرچند راقم این سطور علاقمند است که در آینده نزدیک به تفصیل به این مهم بپردازد- اما اجمالا با دقت در سیاست های مذکور، می توان مفهوم «تولید داخلی» در این سیاست ها را مفهومی دانست که در نظریه گفتمانی، به دال مرکزی (Nodal Point) معروف است و با قرار گرفتن در هسته مرکزی منظومه گفتمانی، سایر نشانه ها را جذب می کند. کنکاش در تاریخ اقتصاد سیاسی بین الملل به ما می گوید که این مفهوم، یعنی قدرت تولید داخلی، در نقطه مرکزی تمامی رویکردهایی قرار داشته که بازیگران بین المللی را تبدیل به قدرت های اقتصادی جهانی کرده است.

ها جون چانگ، استاد دانشگاه کمبریج و متخصص اقتصاد سیاسی توسعه در کتابی که سال 2002 با عنوان «پشت پا به نردبان: استراتژی توسعه از منظر تاریخی» منتشر کرده، نه تنها حمایت از تولید داخلی را عامل پیشرفت و بالندگی اقتصادهایی چون انگلیس و آمریکا می داند، بلکه «تضعیف قدرت تولید» رقبا بین المللی را در کانون نزاع اقتصاد بین المللی قرار می دهد: «تمامی کشورهای پیشرفته صنعتی از سیاست حمایت از تولید داخلی برای پیشرفت و ثروتمند شدن استفاده کرده و سپس تلاش کرده اند دیگران را از این سیاست منع کنند».(2) امروز نیز اندیشکده آمریکایی المانیتور با مذاقه در سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ابایی ندارد از اینکه تصریح کند «اساس این سیاست ها آن است که به ظرفیت سازی داخلی بپردازند. اقتصاد ایران این ظرفیت را دارد که به اقتصادی توسعه یافته تبدیل شود. ایران دارای همه منابع (طبیعی، انسانی و ژئواستراتژیک لازم) برای اقتصادی است که بخواهد در صحنه بین المللی نقش مهمتری ایفا نماید».(3)

هدف از بیان این مقدمه آن بود که بگوئیم محتوای سیاست های کلی ابلاغ شده، نشان داد که اقتصاد مقاومتی یک تاکتیک مقطعی و واکنشی نسبت به پدیده های جاری نیست، بلکه یک دکترین و گفتمان تمام عیار است که افق تبدیل کردن کشور به اقتصادی توسعه یافته و یک قدرت اقتصادی بین المللی را پیش رو دارد؛ گفتمانی که مقاومت در برابر تهاجم اقتصادی است، مقاومت در برابر ساختار غلط، فساد، بروکراسی هرزبرنده استعدادها و ظرفیت ها، رانت خواری؛ و به طور خلاصه، مقاومت در برابر هر عاملی است که مانع ایجاد اقتصادی پویا و سالم متناسب با مبانی و ظرفیت های انقلاب و جمهوری اسلامی است. اقتصاد مقاومتی، گفتمان رسیدن به اقتصادی جامع است که در آن همه فعالیت ها و رشته های اقتصاد ملی با یکدیگر همبستگی و هماهنگی داشته و مجموعه متجانسی را تشکیل دهند. لذا می باید از برخوردهای مقطعی و دوره ای با این سیاست ها پرهیز شده و راهبردها و تاکتیک هایی متناسب با تراز یک گفتمان برای تثبیت و عملیاتی شدن آنها طراحی شود.

اما آنگونه که ذات هر گفتمان ایجاب می کند، اقتصاد مقاومتی در گام نخست خود با یک منازعه و خصومت (antagonism) روبروست؛ منازعه با گفتمان های رقیب و البته ضعیفی که طی چند ماه گذشته از زمان طرح آن، خود را در قالب بحث های حاشیه ای و ژورنالیستی -به معنای سطحی کلمه- به رخ کشیده و سعی کرده اند یا «اقتصاد مقاومتی» را به تاکتیکی موقت در برابر تحریم ها تقلیل دهند، یا اینکه آن را معادلی آبرومندانه برای ریاضت اقتصادی توصیف کنند. فلذا اقتصاد مقاومتی از یک بحث مبسوط نظری همراه با منازعه گفتمانی آغاز می شود؛ اما باید توجه داشت که سیر تکوین این گفتمان، در میدان نظر متوقف نمی شود و اهمیت امتداد عملی آن، اگر بیش از مباحث نظری نباشد، کمتر نیست. لذا در این میان، تردید نباید کرد که تسلط گفتمانی اقتصاد مقاومتی و نیز عملیاتی شدن آن، فراتر از هر چیز نیازمند بدنه اجتماعی، مدیران و حاملانی است که به لحاظ نظری اعتقاد به این مسئله داشته و به لحاظ عملی، انگیزه کافی برای این کار را داشته باشند.

با احترام به همه ظرفیت ها، عناصر، کارشناسان و بدنه اداری کشور، باید گفت تحقق عینی اقتصاد مقاومتی نیازمند موتور محرکه ای است که بتواند تحرک لازم را در دستگاه ها ایجاد کرده و آنها را به دنبال خود بکشد. همانگونه که در چندین بند از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به شکل های مختلف تصریح شده، «نقش آفرینی مردمی» از مهم ترین مولفه های این رویکرد است. اما بدیهی است که صرفا با حرکت جزیره ای و فردی مردم، قدرت لازم برای تحقق اهداف این گفتمان انباشت نخواهد شد؛ بلکه عناصر «هویت و همبستگی» و مشارکت گروهی به جای مشارکت فردی، از ضروریات ایجاد نیروی پر قدرت اجتماعی برای عملیاتی شدن گفتمان اقتصاد مقاومتی است. این است که با توجه به جمیع جهات باید گفت موتور محرکه ای که بتواند از عهده این امر برآید، نهاد بسیج است که هم از متن مردم جوشیده و هم به سبب گستردگی قشری خود، به بدنه اجرایی کشور نیز متصل است.

مطالعه تجربه جنگ تحمیلی نیز به ما می گوید که در این دوران، هرچند ظرفیت های مختلفی برای دفاع از کشور وجود داشت، و نهادهای مربوطه نیز زحمات فراوان کشیده و جانبازی کردند، اما آنچه که موجب تفوق جبهه انقلاب در برابر تجاوز شد، ورود مردم به جنگ بود و کانال این ورود نیز بسیج بود. تفکر، فرهنگ و سازمان بسیج بود که معادله جنگ را به نفع ایران تغییر داد. در دوران دفاع مقدس، فقط بسیج نبود که در جبهه ها حضور داشت، اما آنگاه که تفکر بسیجی بر همه اجزای موثر در جنگ حاکم شد، توفیقات ما نیز روز افزون گشت. در آن برهه، همه خود را بسیجی می دانستند و همین تفکر، عامل آن ایثارگری ها و پیروزی ها شد.

اقتصاد مقاومتی نیز چون عرصه دفاع مقدس، نیازمند تفکر بسیجی است و لذا به نظر می رسد برای اینکه بتوان این بار عظیم را به مقصد رساند، مسئولینی که وظیفه اجرایی اقتصاد را به عهده دارند باید به بسیج به عنوان یک فرصت عظیم نگاه کنند. خوشبختانه موضوع اقتصاد مقاومتی و شاخصه های آن از مدت ها قبل در پیکره فراگیر بسیج مورد توجه قرار گرفته و اقشار مختلف بسیج در ابعاد مختلف این موضوع، هم بررسی و مطالعه کرده اند و هم آمادگی اجرایی دارند. شاهد عینی و قابل دسترس این سخن نیز، حجم انبوه ادبیات تولید شده در رابطه با اقتصاد مقاومتی و سمینارهای آکادمیک و مقالاتی است که منبع و منشأ آنها اقشار مختلف بسیج بوده اند؛ به طوریکه بر اساس تحلیل و بررسی انجام شده در معاونت پژوهش و آموزش خبرگزاری فارس، تولیدات بسیج هم از نظر کیفیت محتوا و هم از لحاظ حجم فاصله قابل توجهی با تولیدات نهادهای دیگر دارد. این امر، نشان دهنده این است که در میان بسیج ده ها میلیونی، هم آمادگی و قدرت ذهنی برای بسط گفتمانی اقتصاد مقاومتی، و هم آمادگی عملی برای تحقق عینی آن وجود دارد. البته طبیعی هم هست که هر نهادی که از لحاظ «سازمانی»، «رهبری» و «توانایی بسیج منابع» نیرومند تر باشد، نقش بزرگتری را در بسط نظری و تحقق علمی یک گفتمان ایفا می کند.

متأسفانه در دولت گذشته برنامه ریزی جدی برای بهره گیری از ظرفیت عظیم بسیج در حوزه جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی انجام نشد؛ اما هم اکنون با ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب، از آنجا که مخاطب این سیاست ها همه دستگاه ها هستند، انتظار می رود که قوای سه گانه از قوه قضائیه گرفته تا مقننه و بالاخص مجریه که بار اصلی اجرای سیاست ها بر دوش آن است، راه را برای بهره گیری از ظرفیت عظیم بسیج ده ها میلیونی در اقتصاد مقاومتی باز کند و من غیر شعار، برنامه های عملی برای این کار طراحی نماید. امید می رود همچون عرصه دفاع مقدس و بسیاری از عرصه های دیگر که بسیج، سربلند از میدان برخاسته، در این عرصه نیز وظیفه ذاتی خود را با موفقیت به انجام رساند.

سید یاسر جبرائیلی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

پانوشت ها:

1- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>

Ha-Joon Chang, Kicking away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective. London: 2-Anthem Press, 2002, p. 139

3- <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/02/decoding-resistance-economy-iran.htm>

See more at: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214000002#sthash.wiB3ID5F.dpuf> - سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که در آخرین روز بهمن ماه سال جاری از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ شد (1)، در حقیقت یک دکترین اقتصاد سیاسی و یک گفتمان است که می توان تمامی نشانه ها و اجزاء یک گفتمان جامع را در آن مشاهده کرد. تبیین ویژگی های گفتمانی این سیاست های کلی، هدف یادداشت حاضر نیست -هرچند راقم این سطور علاقمند است که در آینده نزدیک به تفصیل به این مهم بپردازد- اما اجمالاً با دقت در سیاست های مذکور، می توان مفهوم «تولید داخلی» در این سیاست ها را مفهومی دانست که در نظریه گفتمانی، به دال مرکزی (Nodal Point) معروف است و با قرار گرفتن در هسته مرکزی منظومه گفتمانی، سایر نشانه ها را جذب می کند. کنکاش در تاریخ اقتصاد سیاسی بین الملل به ما می گوید که این مفهوم، یعنی قدرت تولید داخلی، در نقطه مرکزی تمامی رویکردهایی قرار داشته که بازیگران بین المللی را تبدیل به قدرت

های اقتصادی جهانی کرده است.

ها چون چانگ، استاد دانشگاه کمبریج و متخصص اقتصاد سیاسی توسعه در کتابی که سال 2002 با عنوان «پشت پا به نردبان: استراتژی توسعه از منظر تاریخی» منتشر کرده، نه تنها حمایت از تولید داخلی را عامل پیشرفت و بالندگی اقتصادهایی چون انگلیس و آمریکا می داند، بلکه «تضعیف قدرت تولید» رقبای بین المللی را در کانون نزاعات اقتصادی بین المللی قرار می دهد: «تمامی کشورهای پیشرفته صنعتی از سیاست حمایت از تولید داخلی برای پیشرفت و ثروتمند شدن استفاده کرده و سپس تلاش کرده اند دیگران را از این سیاست منع کنند» (2) امروز نیز اندیشکده آمریکایی المانیتور با مذاقه در سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ابایی ندارد از اینکه تصریح کند «اساس این سیاست ها آن است که به ظرفیت سازی داخلی بپردازند. اقتصاد ایران این ظرفیت را دارد که به اقتصادی توسعه یافته تبدیل شود. ایران دارای همه منابع (طبیعی، انسانی و ژئواستراتژیک لازم) برای اقتصادی است که بخواهد در صحنه بین المللی نقش مهمتری ایفا نماید» (3).

هدف از بیان این مقدمه آن بود که بگوئیم محتوای سیاست های کلی ابلاغ شده، نشان داد که اقتصاد مقاومتی یک تاکتیک مقطعی و واکنشی نسبت به پدیده های جاری نیست، بلکه یک دکترین و گفتمان تمام عیار است که افق تبدیل کردن کشور به اقتصادی توسعه یافته و یک قدرت اقتصادی بین المللی را پیش رو دارد؛ گفتمانی که مقاومت در برابر تهاجم اقتصادی است، مقاومت در برابر ساختار غلط، فساد، بروکراسی هرزبرنده استعدادها و ظرفیت ها، رانت خواری؛ و به طور خلاصه، مقاومت در برابر هر عاملی است که مانع ایجاد اقتصادی پویا و سالم متناسب با مبانی و ظرفیت های انقلاب و جمهوری اسلامی است. اقتصاد مقاومتی، گفتمان رسیدن به اقتصادی جامع است که در آن همه فعالیت ها و رشته های اقتصاد ملی با یکدیگر همبستگی و هماهنگی داشته و مجموعه متجانسی را تشکیل دهند. لذا می باید از برخوردهای مقطعی و دوره ای با این سیاست ها پرهیز شده و راهبردها و تاکتیک هایی متناسب با تراز یک گفتمان برای تثبیت و عملیاتی شدن آنها طراحی شود.

اما آنگونه که ذات هر گفتمان ایجاب می کند، اقتصاد مقاومتی در گام نخست خود با یک منازعه و خصومت (antagonism) روبروست؛ منازعه با گفتمان های رقیب و البته ضعیفی که طی چند ماه گذشته از زمان طرح آن، خود را در قالب بحث های حاشیه ای و ژورنالیستی - به معنای سطحی کلمه - به رخ کشیده و سعی کرده اند یا «اقتصاد مقاومتی» را به تاکتیکی موقت در برابر تحریم ها تقلیل دهند، یا اینکه آن را معادلی آبرومندانه برای ریاضت اقتصادی توصیف کنند. فلذا اقتصاد مقاومتی از یک بحث مبسوط نظری همراه با منازعه گفتمانی آغاز می شود؛ اما باید توجه داشت که سیر تکوین این گفتمان، در میدان نظر متوقف نمی شود و اهمیت امتداد عملی آن، اگر بیش از مباحث نظری نباشد، کمتر نیست. لذا در این میان، تردید نباید کرد که تسلط گفتمانی اقتصاد مقاومتی و نیز عملیاتی شدن آن، فراتر از هر چیز نیازمند بدنه اجتماعی، مدیران و حاملانی است که به لحاظ نظری اعتقاد به این مسئله داشته و به لحاظ عملی، انگیزه کافی برای این کار را داشته باشند.

با احترام به همه ظرفیت ها، عناصر، کارشناسان و بدنه اداری کشور، باید گفت تحقق عینی اقتصاد مقاومتی نیازمند موتور محرکه ای است که بتواند تحرک لازم را در دستگاه ها ایجاد کرده و آنها را به دنبال خود بکشانند. همانگونه که در چندین بند از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به شکل های مختلف تصریح شده، «نقش آفرینی مردمی» از مهم ترین مولفه های این رویکرد است. اما بدیهی است که صرفا با حرکت جزیره ای و فردی مردم، قدرت لازم برای تحقق اهداف این گفتمان انباشت نخواهد شد؛ بلکه عناصر «هویت و همبستگی» و مشارکت گروهی به جای مشارکت فردی، از ضروریات ایجاد نیروی پر قدرت اجتماعی برای عملیاتی شدن گفتمان اقتصاد مقاومتی است. این است که با توجه به جمیع جهات باید گفت موتور محرکه ای که بتواند از عهده این امر برآید، نهاد بسیج است که هم از متن مردم جوشیده و هم به سبب گستردگی قشری خود، به بدنه اجرایی کشور نیز متصل است.

مطالعه تجربه جنگ تحمیلی نیز به ما می گوید که در این دوران، هرچند ظرفیت های مختلفی برای دفاع از کشور وجود داشت، و نهادهای مربوطه نیز زحمات فراوان کشیده و جانبازی کردند، اما آنچه که موجب تفوق جبهه انقلاب در برابر تجاوز شد، ورود مردم به جنگ بود و کانال این ورود نیز بسیج بود. تفکر، فرهنگ و سازمان بسیج بود که معادله جنگ را به نفع ایران تغییر داد. در دوران دفاع مقدس، فقط بسیج نبود که در جبهه ها حضور داشت، اما آنگاه که تفکر بسیجی بر همه اجزای موثر در جنگ حاکم شد، توفیقات ما نیز روز افزون گشت. در آن برهه، همه خود را بسیجی می دانستند و همین تفکر، عامل آن ایثارگری ها و پیروزی ها شد.

اقتصاد مقاومتی نیز چون عرصه دفاع مقدس، نیازمند تفکر بسیجی است و لذا به نظر می رسد برای اینکه بتوان این بار عظیم را به مقصد رساند، مسئولینی که وظیفه اجرایی اقتصاد را به عهده دارند باید به بسیج به عنوان یک فرصت عظیم نگاه کنند. خوشبختانه موضوع اقتصاد مقاومتی و شاخصه های آن از مدت ها قبل در پیکره فراگیر بسیج مورد توجه قرار گرفته و اقشار مختلف بسیج در ابعاد مختلف این موضوع، هم بررسی و مطالعه کرده اند و هم آمادگی اجرایی دارند. شاهد عینی و قابل دسترس این سخن نیز، حجم انبوه ادبیات تولید شده در رابطه با اقتصاد مقاومتی و سمینارهای آکادمیک و مقالاتی است که منبع و منشا آنها اقشار مختلف بسیج بوده اند؛ به طوریکه بر اساس تحلیل و بررسی انجام شده در معاونت پژوهش و آموزش [خبرگزاری فارس](#)، تولیدات بسیج هم از نظر کیفیت محتوا و هم از لحاظ حجم فاصله قابل توجهی با تولیدات نهادهای دیگر دارد. این امر، نشان دهنده این است که در میان بسیج ده ها میلیونی، هم آمادگی و قدرت ذهنی برای بسط گفتمانی اقتصاد مقاومتی، و هم آمادگی عملی برای تحقق عینی آن وجود دارد. البته طبیعی هم هست که هر نهادی که از لحاظ «سازمانی»، «رهبری» و «توانایی بسیج منابع» نیرومند تر باشد، نقش بزرگتری را در بسط نظری و تحقق علمی یک گفتمان ایفا می کند. متأسفانه در دولت گذشته برنامه ریزی جدی برای بهره گیری از ظرفیت عظیم بسیج در حوزه جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

انجام نشد؛ اما هم اکنون با ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب، از آنجا که مخاطب این سیاست ها همه دستگاه ها هستند، انتظار می رود که قوای سه گانه از قوه قضائیه گرفته تا مقننه و بالاخص مجریه که بار اصلی اجرای سیاست ها بر دوش آن است، راه را برای بهره گیری از ظرفیت عظیم بسیج ده ها میلیونی در اقتصاد مقاومتی باز کند و من غیر شعار، برنامه های عملی برای این کار طراحی نماید. امید می رود همچون عرصه دفاع مقدس و بسیاری از عرصه های دیگر که بسیج، سربلند از میدان برخاسته، در این عرصه نیز وظیفه ذاتی خود را با موفقیت به انجام رساند.

سید یاسر جبرائیلی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

پانوشته ها:

1- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>

Ha-Joon Chang, *Kicking away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*. London: 2-Anthem Press, 2002, p. 139

3- <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/02/decoding-resistance-economy-iran.htm>

- See more at: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214000002#sthash.wiB3lD5F.dpuf>